

هو العليم

ادله قرآنی بر برائت (4)

سلسله دروس خارج اصول فقه - برائت - جلسه صد و هفتادونهم

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی
قدس الله سره

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آقای بروجردی یک وقت بالای منبر بود آن موقع بلندگو نبود، از آن انتهای مجلس یک نفر گفت: آقا! صدایتان نمی‌رسد! ایشان گفت: صبر کنید، بلند می‌شود به شما می‌رسد!

یک دفعه داشتند بحث می‌کردند، به ادنیٰ مناسبتی بحث جبر و اختیار پیش آمد، بعد ایشان این شعر را خواندند:

اینکه گویی این کنم یا آن کنم *** خود دلیل اختیار است ای صنم^۱

[ایشان] «خود دلیل اختیار است» را گفتند و «ای صنم» را نگفتند، بعد یکی از آن عقب برگشت گفت: ای صنم! ای صنم! ای صنم! چون شعر مولوی بود و مثنوی، ای صنمش را نگفتند چون خیال می‌کردند مناسب وضع مجلس نیست، ایشان خیلی مؤدب بودند، بسیار شخص مؤدبی بودند!

ادامه بحث در آیه ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ...﴾

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِمَّنْ دَمٌ مِّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أُولَٰئِكَ أَهْلُ غَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾^۲ إِنْهَا قُلْنَا بِالنَّبِيِّ إِيَّاكَ
هذه الآية كيفية الاستدلال بهذا الشكل:

[ما نسبت به مفاد این آیه و کیفیت استدلال به این طور می‌گوییم]:

خداوند یهود را توبیخ می‌کند بر اینکه یحرمون علی أنفسهم بعض الاشياء مثل لحم و غیر ذلک عن تلقاء أنفسهم علی حیل هذا الحكم منزل من الله تعالی و الرسول یوبخهم و انه لا أجد فی ما أوحی إلیه محرماً، ان الماکول و غیر ذلک علی طاعم، یعنی کل شخص یطعم، کل شخص و یأکل و تبدی إلا إن دماً مسفوفاً....

[که بعضی از اشیاء مثل لحم و غیر آن را بر خودشان حرام کردند. این تحریم از ناحیه خودشان بود در

^۱ مثنوی معنوی (میرخانی)، دفتر پنجم، ص ۴۹۸:

اینکه فردا این کنم یا آن کنم *** این دلیل اختیار است ای صنم

^۲ سوره انعام (۶) آیه ۱۴۵.

ترجمه: «بگو: در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میت باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین‌ها که حرام شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است.» (محقق)

مقابل حکمی که خدا تنزیل نموده توبیخشان می کند که در آنچه بر من وحی شده چیزی را محرم نیافتم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین ها که حرام شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است. [تلمیذ: البته اگر ما آیه را ناظر به تحریم شیء بدانیم و در شبهه بیاوریم این موردش مورد شبهه است اما اگر مورد را جای دیگری ببریم مثل همین قضیه که در رهبانیت و بدعت است...]

استاد: ببینید اصلاً بحث این است که مرحوم شیخ و امثاله این آیه را منحصر به مواردی کرده اند که مکلف علم دارد که این مورد حرام جزء موارد مباح است؛ یعنی مرحوم شیخ و امثاله گفته اند که اصلاً آیه مربوط به شبهه نیست؛ بلکه اختصاص دارد به مواردی که تفصیلاً معلوم است؛ **لحم الخنزیر، ما أحلّ لیغیر الله، المیتة حتف أنفه، أكل السبع** و امثال ذلک. پس آیه اختصاص به موارد معلومه دارد؛ حالا در **لحم غنم من حیث إثم یحرمون علی أنفسهم** مورد توبیخ از جانب خداوند قرار گرفتند یعنی **لحم الغنم لیس حرام یعنی فی الموارد المحرمة مثل لحم الخنزیر و لحم السبع و أكل السبع و المیتة حتف أنفه و غیر ذلک** نیست. بنابراین این قضیه ای که آیه دلالت کند که در مورد شبهه باید قائل به ترخیص برای اکل بشویم، آیه در مورد شبهه ساکت است و چون ساکت است شامل برائت نخواهد شد.

علت توبیخ مذکور در آیه

عرض بنده این است، توبیخ ﴿قُلْ لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ﴾ از جهت نزول احکام نیست که خدا احکام را به موارد تفصیلی یا غیر تفصیلی نازل کرده است بلکه آیه در اینجا ناظر است به اینکه یهود حرامی را که خدا حلال کرده است به خدا نسبت بدهند یعنی یهود قائل به حرمت شیئی هستند که **و الله لم یحرمه**.

تلمیذ: در مورد آیه راجع به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چه می فرمایید؟! استاد: آن آیه تازه از این بدتر است، خیلی بالاتر است حالا عرض می کنم. در آنجا کلفت هست؛ مثلاً می گویند: آقا چرا این را برای خودت حرام کرده ای؟! یا مثلاً می گویند که ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ آلِهَ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾^۱ معنای ﴿حَرَّمَ﴾ واقعاً حرام نیست که معنای حرام شرعی اصطلاحی و حرام واقعی باشد بلکه معنایش اجتناب است و تحمیل انسان بر خود به اینکه [از اینها استفاده نکند]، به معنای

^۱ سوره اعراف (۷) آیه ۳۲.

ترجمه: «بگو: چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟!» (محقق)

الضيق و الكلفة و غير ذلك لا معنى الحرام باصطلاح الشرعى مثل ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾^۱...

بنابراین اینکه الآن خدا یهود را توبیخ می کند بر اینکه شما تحریم می کنید چیزی را که خدا آن چیز را حرام نکرد، این توبیخ به فعل شخص و یهود برمی گردد و به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کار ندارد! خداوند یک احکامی را نازل کرد و پیغمبر هم این احکام را ابلاغ کرد، حالا این احکام یا به دست ما رسیده اند یا نرسیده اند. خدا که نمی تواند ما را توبیخ کند بر آن احکامی که به دست ما نرسیده است! چون آن احکامی که به دست ما نرسیده که اصلاً در اختیار ما نیست! این احکام به سبب اخفاء ظالمین بر ما مخفی است یا به سبب بعضی دعاوی مخفی است مثلاً **تَقِيَّةٌ** تمام کتابخانه محمد بن ابی عمیر را سوزاندند و از بین بردند برای اینکه به دست هارون و امثاله نیفتد.^۲ یک کتابخانه ای بود که از امام صادق علیه السلام این کتاب ها را نوشته بود! بسیاری از این کتاب ها در این کتابخانه ها همه سوخت و از بین رفت! در تاریخ داریم بعضی از این اصحاب کتابخانه ای را آوردند و در دجله ریختند یعنی تمام کتاب ها - چند هزار جلد کتاب - را در دجله غرق کردند و همه را از بین بردند. الآن بسیاری از کتاب ها مخفی است، عام هایی که خاص دارد ولیکن خاص نیامده است، مطلق آمده مقیدش از بین رفته است، مجمل آمده مبینش از بین رفته است و تمام اینها...

برگشت توبیخ در آیه به علم مکلف، نه به احکام

حالا صحبت ما این است که این توبیخی که خداوند یهود را می کند، آیا توبیخ برای این است که من حکم را فرستادم، تو چرا قائل به حرام هستی؟! ممکن است حکم به دست من نرسد، ممکن است یهود بگویند که من نمی دانم الآن این لحم غنم حلال است یا حرام است! خدا توبیخ می کند که تو علم داری و عالم به اباحه هستی در عین حال قائل به تحریم هستی پس توبیخ به علم مکلف برمی گردد و رجوع داده می شود، نه به احکامی که از ناحیه پروردگار یا از ناحیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است؛ بلکه توبیخ متوجه مکلف است از ناحیه تقصیر مکلف، خب مکلف کی مقصر است؟! در وقتی که برخلاف علم، حکمی را بر خود تکلیف کند که آن حکم خلاف **ما انزل الله** باشد، در اینجا تازه توبیخ متوجه این مکلف است!

این نکته ظریفی است که من می خواستم در اینجا عرض کنم و آن نکته ظریف که از آیه استخراج می شود و ما می توانیم آن را در سایر آیات هم تسری بدهیم این است که اگر در باب احتیاط و در باب توقف و عدم الاقتحام فی مورد الشک لو قلنا بوجوب الاحتیاط علی أنفسنا لقلنا بتحریمه علی أنفسنا و هذا افتراء علی

^۱ سوره تحریم (۶۶) آیه ۱. نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۲۴:

«ای پیغمبر! چرا حرام می کنی بر خودت، چیزی را که خداوند برای تو حلال نموده است؟!»

^۲ رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۲۶، با قدری اختلاف.

قضیه این است حالا سواءٌ إنا عالمین انه مباحٌ و مع ذلك نقولُ بحرمته أو عالمین بانه مباحٌ و مع ذلك نقولُ بحرمته یعنی العبارةٌ مختلفةٌ ولكن المعنى واحدٌ، سواءٌ قلنا بانه حرامٌ منزلٌ من الله و سواءٌ قلنا بانه مباحٌ ولكن مع ذلك يجب علينا الاحتياط.

[حالا فرقی نمی کند که ما عالم به مباح بودن آنها باشیم و با این حال قائل به حرمتشان باشیم یا عالم به مباح بودن نباشیم و قائل به حرمت شویم یعنی عبارت مختلف است ولی معنا واحد است؛ فرقی نمی کند بگوییم که حرام است از ناحیه خدا یا بگوییم: در نزد خدا مباح است و در عین حال احتیاط بر ما واجب است.]

تلمیذ: ما اینجا الفاظ و مواردی داریم مثل ﴿مَيِّتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا﴾ که معلوم می شود این حرمت، حرمت شرعی است؛ یعنی آن لفظ حرمت اینجا منصرف به حرمت شرعی است.

استاد: بله، حرمت شرعی است. منظور من این است افرادی که قائل به احتیاط هستند چه می گویند؟ احتیاط مستحب چیست؟ ما می دانیم این مباح است و شارع اجازه داده است اما چون مورد یا مال مشتبّه است و شبهه ناک است إنا لا نأكل هذا المال مثلاً من بيت هذا الشخص لأنه مثلاً من اموال مشتبّه و اموال الربوى! ولكن الفرق بين هذا و بين إنا نقول أنه يحرم علينا الاكل من هذا البيت! يحرم علينا الشرب من هذا البيت لأنه اموال مشتبّه و كل مشتبّه حرام! هذا افتراء على الله تعالى پس این آیه از آیاتی است که يمكن أن نستدل بها على البرائة الشرعية.

استدلال به آیه ﴿وَمَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ آسَمُ اللَّهِ عَلَىٰ هِ وَقَدْ فَصَّلَ

لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَىٰ كُمْ إِلَّا مَا أَضْطَرُّرْتُمْ إِلَىٰ هِ﴾

اللهم صل على محمد و آل محمد